

بررسی تطبیقی دلایل حجیت خبر واحد در تفسیر از دیدگاه آیت‌الله فاضل لنکرانی*

مهدی رستم‌نژاد** و شریفه شیخ‌زاده نجار***

چکیده

پیرامون حجیت خبر واحد در تفسیر قرآن دو دیدگاه وجود دارد: دسته اول، کسانی که حجیت خبر واحد را مختص به آیات فقهی دارای اثر شرعی می‌دانند و دسته دوم، کسانی که قائل به حجیت خبر واحد در آیات غیر فقهی از جمله تفسیر نیز می‌باشند. از آنجا که روایات در تفسیر و تبیین کلام الهی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و بخش قابل توجهی از این روایات از نوع اخبار آحاد می‌باشد، بررسی دیدگاه‌های هر کدام از صاحبان این دو قول ضروری می‌نماید؛ بر این اساس در این مقاله دیدگاه آیت‌الله فاضل لنکرانی رحمته‌الله‌علیه به عنوان یکی از موافقان حجیت خبر واحد در تفسیر بیان شده و ادله ایشان مبنی بر حجیت روایات تفسیری مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. ایشان در اثر ارزش مند مدخل التفسیر که از آن به عنوان اصول التفسیر تعبیر شده، برای اثبات مدعای خویش دو دلیل: «عمومیت سیره عقلا» و «اطلاق ادله شرعی تعبدی» را ذکر می‌کند؛ اگر هر کدام از این ادله در اثبات حجیت خبر واحد مورد پذیرش قرار گیرد، به دلیل اطلاقشان، حجیت خبر واحد هم مطلقاً باید پذیرفته شود و در پی آن، خبر واحد در تفسیر نیز حجت خواهد بود و در نتیجه اعتبار بخشی به روایات آحاد، گنجینه عظیم معارف اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر آیات الهی به کار گرفته می‌شود و بهره‌مندی از کلام الهی را دوچندان می‌کند.

واژگان کلیدی: حجیت خبر واحد، تفسیر، روایات تفسیری، آیت‌الله فاضل رحمته‌الله‌علیه.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۱ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۹/۱۰.

** . دانشیار و عضو هیأت علمی جامعه المصطفی العالمیه: rostamnejad1946@gmail.com

*** . دانش‌آموخته تفسیر سطح سه حوزه علمیه معصومیه خواهران (نویسنده مسئول): shsheikhzadeh1362@gmail.com

مقدمه

در تفسیر آیات حیات بخش قرآن مجید، همواره کلام اهل بیت علیهم السلام هادی و چراغ راه مفسران بوده است؛ لذا یکی از مهم ترین منابع در تفسیر قرآن کریم، روایات ائمه معصوم علیهم السلام می باشد. روایات در علم حدیث از حیث صدور به دو دسته متواتر و خبر واحد تقسیم می شوند؛ خبر واحد گاهی قرائنی را به همراه دارد که موجب قطعی شدن صحت خبر می شود (خبر واحد محفوف به قرینه) و گاهی بدون قرینه است. از دیدگاه علمای شیعه خبر متواتر و خبر واحد محفوف به قرینه از آن جا که علم آور بوده، حجت اند؛ اما خبر واحد مجرد از قرینه، افاده یقین نکرده و تنها افاده ظن می کند. آن چه در این میان مورد اختلاف واقع شده، قسم آخر یعنی خبر واحد معتبری است که قرینه ای به همراه نداشته باشد. در این باره، دو دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول - برخی از علمای متقدم که به عدم حجیت خبر واحد به طور مطلق (فقه و غیر فقه) قائل هستند که براساس سخن شیخ انصاری رحمته الله علیه بزرگانی چون: سید مرتضی، ابن ادریس، قاضی ابن براج و طبرسی و ابن زهره در این زمره قرار دارند.

دیدگاه دوم - کسانی که حجیت خبر واحد را پذیرفته اند که اجماع تمام علما از عصر حاضر تا زمان شیخ مفید و شیخ طوسی بر این دیدگاه استوار است (رستمی، آسیب شناسی و روش شناسی تفسیر معصومان، ۱۳۸۰: ۳۵/۱). از میان دسته دوم، گروهی قائل به حجیت خبر واحد تنها حوزه فقه می باشند و حجیت خبر واحد در تفسیر را نمی پذیرند؛ زیرا، این دسته از علما تنها حجیت روایاتی را می پذیرند که دارای اثر شرعی باشد. از جمله آنان شیخ طوسی، نائینی و آقا ضیاء الدین عراقی از متقدمین و علامه طباطبایی رحمته الله علیه از متأخرین را می توان نام برد (ناصح، اعتبار و کاربرد روایات تفسیری، ۱۳۸۷: ۲۶، ۲۷، ۲۸). گروه دوم کسانی هستند که خبر واحد را در غیر فقه، از جمله تفسیر حجیت می دانند که آیت الله خوئی رحمته الله علیه، آیت الله فاضل رحمته الله علیه و مرحوم آیت الله معرفت از جمله قائلین به آن می باشند که ممکن است ملاک هر یک در پذیرش با دیگری متفاوت باشد (ناصح، همان، ۴۹، ۴۸، ۴۶). البته در این میان افرادی هم چون آیت الله جوادی آملی (حفظه الله) در باب حجیت خبر واحد قائل به تفصیل شده اند. از آنجا که بیشترین تعداد از روایات تفسیری را اخبار آحاد بدون قرینه تشکیل می دهند، لذا لازم است اقوال هر کدام از موافقین و مخالفین حجیت خبر واحد در تفسیر مورد مذاقه و بررسی قرار گیرد تا وضعیت این تعداد از روایات مشخص گردد؛ زیرا چنانچه این روایات را حجت بدانیم می توان از مضمون آن ها در تفسیر قرآن مجید استفاده نمود و در صورت عدم التزام به حجیتشان نتیجه به صورت دیگری رقم می خورد. البته در بحث از حجیت خبر واحد، شناخت مفهوم حجیت بسیار با اهمیت

است؛ چراکه در پذیرش حجیت در تفسیر و عدم پذیرش آن نقش مهمی دارد. در این بحث سوالاتی به وجود می‌آید که بر طبق پذیرش هر کدام از این دیدگاه‌ها، پاسخ‌های متفاوتی داده می‌شود؛ آیا خبر واحد تنها در آیات فقهی که دارای اثر شرعی می‌باشند حجت است یا این که روایات آحاد در تفسیر تمامی آیات قرآن مجید نیز دارای اعتبار می‌باشد؟ در صورت پذیرش حجیت خبر واحد در تفسیر، حجیت چه مفهومی دارد؟ آیا پس از اثبات حجیت خبر واحد در تفسیر، ماهیت ظنی آن به علم تبدیل می‌شود؟ این‌ها سوالاتی است که در این نوشتار سعی شده تا حدودی به آن‌ها پاسخ داده شود.

در زمینه حجیت خبر واحد در تفسیر و اعتبار روایات تفسیری کتاب‌هایی به رشته تحریر درآمده که کتاب «مدخل التفسیر» نوشته آیت الله فاضل رحمته الله علیه از این نوع بوده و منبع اصلی مورد استفاده در این پژوهش است؛ این کتاب از جمله کتب علوم قرآنی بوده و توسط یک اندیشمند اصولی و قرآنی نوشته شده و در آن، نویسنده درباره حجیت خبر واحد به صورت مختصر در چند صفحه پرداخته است. کتاب «اعتبار و کاربرد روایات تفسیری» از علی احمد ناصح کتاب دیگری است که به شکل مبسوطی به بحث حجیت روایات تفسیری و بررسی دیدگاه موافقان و مخالفان پرداخته است که در این نوشتار مورد استفاده واقع شد. کتاب‌های دیگر مربوط به مباحث علوم قرآنی در این زمینه وجود دارد که طی مباحث خود به حجیت روایات واحد تفسیری نیز پرداخته‌اند مانند: کتاب «البیان» مرحوم آیت الله خوئی رحمته الله علیه، «التفسیر والمفسرون» آیت الله معرفت، «آسیب‌شناسی و روش‌شناسی تفسیر معصومان» نوشته علی اکبر رستمی که این کتاب هم در این نوشتار مورد بهره قرار گرفت. هم‌چنین کتاب «روش‌شناسی تفسیر قرآن» نوشته علی اکبر بابایی که در آن نیز، بحث خبر واحد و اقسام آن، بررسی حجیت و دیدگاه‌های پیرامون آن به شکل مبسوط بیان شده است.

مقالات زیادی هم در این زمینه نگاشته شده است که به ذکر چند مورد از آن‌ها اکتفا می‌شود: «حجیت خبر واحد در تفسیر قرآن» نوشته استاد محمدتقی مصباح که در این نوشتار به بررسی مبادی تصویری و تصدیقی این بحث پرداخته‌اند. «پژوهشی در اعتبار احادیث تفسیری» اثر علی احمد ناصح که این نوشتار بخشی از کتاب ایشان بوده که پیش‌تر ذکر گردید. «بررسی حجیت خبر واحد در تفسیر» نوشته سیدمحمدعلی ایازی است. «بررسی حجیت خبر واحد در تفسیر» نگاشته احمد رضوی، «بازپژوهی حجیت روایات تفسیری با تکیه بر دیدگاه علامه طباطبایی رحمته الله علیه» اثر روح الله محمدعلی نژاد عمران و کامران اویسی و مقالات دیگری که به دلیل طولانی شدن کلام به همین مقدار اکتفا می‌گردد.

مفهوم شناسی

حجیت: مصدر به معنای حجت بودن است. حجت در لغت عرب به معنای وسیله پیروزی در هنگام مخاصمه است (فراهیدی، العین، ۱۴۰۹: ۹/۳؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۰۴: ۲۹/۲، ذیل ماده حج). برهان و دلیل که همان وسیله غلبه بر دشمن بوده (جوهری، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، ۱۳۷۶: ۳۰۴/۱؛ ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، ۱۳۶۷: ۳۴/۱؛ ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۲۲۸/۲). هم چنین دلالت آشکاری که بیانگر صحت یکی از طرفین نقیضین می باشد، بیان شده است (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ۱۴۱۲: ۲۱۹/۱). این واژه در قرآن مجید هم به کار رفته است (ر.ک: انعام: ۸۳ و ۱۴۹). در کتب اصولی هم حجت در لغت این گونه معنا شده است: «کل شیء یصلح أن یحتج به علی الغیر» هر چیزی که صلاحیت داشته باشد به وسیله آن علیه دیگری استدلال و احتجاج شود (مظفر، اصول الفقه، ۱۳۷۰: ۱۳/۳).

حجت منطقی: آن چه که از قضایای نتیجه بخش و مرتبط با هم تشکیل شده باشد و سبب علم به مجهول شود؛ به عبارت دیگر قضایا و تصدیقات معلومی که سبب تصدیق مجهولی شود (صغری، کبری و نتیجه) حجت نامیده شده است. گاهی هم به «حد وسط» قیاس، حجت گفته می شود (مظفر، همان، ۱۳/۳؛ مشکینی، اصطلاحات الاصول و معظم أبحاثها، ۱۳۷۱: ۱۱۴/۱). به بیان دیگر صحت اعتماد برای کشف و به دست آوردن واقع و بحث درباره مقدار شمول حقانیت، حجت منطقی نامیده می شود (صدر، مباحث الاصول، ۱۴۰۸، ۲۱۹/۱؛ هاشمی شاهرودی، بحوث فی علم الاصول، ۱۳۷۵: ۲۷/۴).

حجت اصولی: دلیلی که متعلق خود را به جعل شرعی اثبات نموده و به درجه قطع و یقین نرسد؛ چراکه قطع خودش حجیت ذاتی دارد پس حجیت اصولی شامل قطع نمی گردد؛ (مظفر، اصول الفقه، ۱۳۷۰: ۱۳/۳) البته اگر حجیت موضوعی باشد، شامل قطع شده ولی در حجیت طریقی این اطلاق صحیح نیست (ر.ک: مشکینی، اصطلاحات الاصول و معظم أبحاثها، ۱۳۷۱: ۱۱۴/۱).

در تعریفی دیگر به طور کلی صحت استناد به ادله معتبر شرعی (قطع، اماره، اصل عملی) و درستی عمل بر طبق آن ها حجیت نام گرفته است. لازمه حجیت یک دلیل، دو ویژگی «منجزیت و معذریت» آن است؛ به این معنا که اگر دلیل به واقع اصابت نماید، تکلیف بر مکلف منجز شده و مخالفت با آن موجب عقوبت است؛ اما در جایی که حجت مطابق با واقع نباشد تمسک به حجیت برای مکلف عذر محسوب شده و عقاب را از او دفع می کند. مرحوم آخوند چهار ویژگی منجزیت، معذریت، تجری و انقیاد را برای حجیت قطع بیان می کنند ولی حجیت ظنون و امارات را تنها

شامل منجزیت و معذرت می‌دانند (ر.ک: به فاضل لنکرانی، ایضاح الکفایة، ۱۳۸۵: ۱۵۴/۴) لازم به ذکر است مفهوم حجیت منتخب در این تحقیق در قسمت اثبات حجیت تفسیر، نه حجیت منطقی و نه حجیت به معنای مصطلح اصولی (معذرت و منجزیت) می‌باشد؛ بلکه معنای منتخب در بخش تفسیر ذکر می‌گردد.

خبر واحد: خبر بر دو قسم است: خبر متواتر و خبر واحد؛ خبر متواتر خبری است که به موجب آن آرامش و برطرف شدن شک و شبهه برای انسان حاصل گشته و به وسیله آن قطع و یقین نسبت به مخبر به (سنت) به دست آید زیرا تعداد مخبرین، به حدی است که احتمال کذبشان محال خواهد بود؛ این خبر مطلقاً حجیت دارد (مظفر، اصول الفقه، ۱۳۷۰: ۷۱/۳). خبر متواتر به دو دسته لفظی و معنوی تقسیم می‌شود؛ برخی تواتر اجمالی را هم به این اقسام اضافه کرده‌اند. خبر واحد در مقابل خبر متواتر قرار داشته، یعنی: خبری است که به حد تواتر نرسد گرچه بیش از یک راوی داشته باشد؛ خبر واحد علم آور نیست مگر محفوف به قرائنی باشد که موجب علم به درستی آن خبر شود (مظفر، همان، ۷۱/۳ و ۷۲).

اقسام خبر واحد

۱- خبر واحد محفوف به قرینه: خبری که متواتر نیست، اما همراه با قرائنی است که موجب علم به آن خبر می‌شود؛ از جمله خبری که دارای محتوای عالی و بلند باشد؛ مانند: برخی خطبه‌های نهج البلاغه و نیز خبری که موافق با ظاهر قرآن باشد؛ این قسم از خبر واحد دارای حجیت است (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ۱۳۸۷: ۱۱۶).

۲- خبر واحد ضعیف: خبر غیر متواتری که سند معتبر نداشته باشد؛ لذا اطمینان به صدور آن از معصوم علیه السلام وجود ندارد. از این قسم اخبار در میان روایات زیاد است که گاهی ممکن است جعلی یا از اسرائیلیات باشد (همان، ۱۱۷). این نوع از خبر قابل استناد نیست.

۳- خبر واحد معتبر: خبری که متواتر نبوده و قرینه‌ای هم با آن همراه نیست؛ اما طریق آن معتبر می‌باشد؛ این خبر یقین آور نیست و فقط مفید ظن است (همان، ۱۱۸). این روایات به سه دسته: صحیح، حسن و موثق تقسیم می‌شوند (ر.ک: مدیر شانه چی، علم الحدیث، ۱۳۷۲: ۱۴۸).

در حجیت این قسم از خبر و گستره آن اختلاف نظر وجود دارد و مراد از خبر واحد در این نوشتار این قسم است یعنی خبر واحد غیر محفوف به قرینه که تنها مفید ظن می‌باشد و قطع آور نیست.

روایات تفسیری: روایات معصومان علیهم السلام در مورد آیات قرآن کریم می‌باشد که به دلیل فراوانی روایات آحاد در میان آنها از باب غلبه به این روایات اطلاق می‌گردد (wiki.islamicdoc.org).

دلایل حجیت خبر واحد

در این بخش ابتدا ادله حجیت خبر واحد در اصول به صورت مختصر بیان می‌گردد؛ این ادله را آیت‌الله فاضل^{رحمته} در کتاب ایضاح الکفایه به نقل از مرحوم آخوند خراسانی^{رحمته} بیان نموده‌اند. از آن جا که آیت‌الله فاضل^{رحمته} قائل به حجیت خبر واحد در تفسیر می‌باشند لذا ادله‌ای که بر حجیت خبر واحد ذکر می‌گردد، غالباً شامل حجیت در تفسیر هم می‌شود؛ البته در این جا از نحوه اثبات برخی ادله از آن جهت که در روند بحث تأثیری نداشته و موجب اطلاله کلام می‌گردد، خودداری شده و تنها به ذکر آن‌ها اکتفا می‌شود.

۱- ادله قرآنی

۱-۱. آیه نبأ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِبُوا عَلَي مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ﴾ (حجرات/ ۶) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر شخص فاسقی خبری برای شما آورد درباره آن تحقیق کنید، تا مبدا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید» (فاضل لنکرانی، ایضاح الکفایه، ۱۳۸۵: ۲۶۱/۴).

۱-۲. آیه نضر: ﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾ (توبه/ ۱۲۲)؛ «شایسته نیست مؤمنان همگی (به سوی میدان جهاد) کوچ کنند چرا از هر گروهی، طائفه‌ای از آنان کوچ نمی‌کنند (و طائفه‌ای بمانند) تا در دین تعلم و آگاهی پیدا کنند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود آنان را انداز نمایند تا (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند و خودداری کنند» (یک روح تحدر در بین آن‌ها پیدا شود) (فاضل لنکرانی، ایضاح الکفایه، ۱۳۸۵: ۲۷۹/۴).

۱-۳. آیه کتمان: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ﴾ (بقره/ ۱۵۹)؛ «کسانی که دلایل روشن و وسیله هدایتی را که نازل کرده‌ایم بعد از آن‌که در کتاب برای مردم بیان ساختیم کتمان می‌کنند، خدا آن‌ها را لعنت می‌کند و همه لعن‌کنندگان نیز بر آن‌ها لعن می‌نمایند» (فاضل لنکرانی، همان، ۲۹۱).

۱-۴. آیه سؤال: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (نحل/ ۴۳)؛ «ما پیش از تو جز مردانی که به آن‌ها وحی می‌کردیم، نفرستادیم، اگر نمی‌دانید از اهل اطلاع سؤال کنید» (فاضل لنکرانی، همان، ۲۹۴).

۱-۵. آیه اذن: ﴿وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (توبه/ ۶۱)؛ «از آن‌ها کسانی هستند که پیامبر را آزار می‌دهند و می‌گویند او خوش‌باور است! بگو خوش‌باور بودن او به نفع شماست (ولی بدانید) او ایمان به خدا دارد و (تنها) تصدیق مؤمنان می‌کند و رحمت است برای کسانی که ایمان آورده‌اند» (فاضل لنکرانی، همان، ۲۹۸).

۲- روایات دال بر حجیت خبر واحد

اخبار متعددی دال بر حجیت خبر واحد اقامه شده است که البته باید تواتر داشته باشند وگرنه با خبر واحد نه می‌توان حجیت خبر واحد را به اثبات رساند و نه آن را نفی نمود. ایشان در توجیه این کلام بیان می‌دارند که چون در اثبات حجیت، استدلال نیاز است، خبر واحد به کار نمی‌آید و باید به نحوی تواتر وجود داشته باشد که در این جا از بین سه قسم تواتر لفظی، معنوی و اجمالی، مراد تواتر اجمالی است؛ بدین معنا که روایت متعددی داریم که نه در لفظ مشترکند و نه در معنا ولیکن ما علم اجمالی داریم که یکی از این روایات از معصوم صادر شده است، در این صورت باید قدر متیقن و مشترک آن را اخذ و به آن عمل نمود. قدر متیقن این است که اولاً، راوی خبر، عادل باشد و ثانیاً، اطمینان به صدور خبر از امام (علیه السلام) وجود داشته باشد. در نتیجه حجیت خبر واحد بالجمله و به نحو موجه جزئیة ثابت می‌گردد؛ اما اگر بخواهیم به شکل وسیع‌تری خبر واحد را حجت قرار دهیم، این‌گونه استدلال می‌کنیم که قدر متیقن روایات را عادل بودن راوی و اطمینان به صدور خبر از معصوم بدانیم؛ حال اگر مفاد چنین روایتی این بود که خبر ثقه حجیت دارد، در این صورت می‌توان گفت: هر خبر ثقه‌ای حجت است اگرچه راوی آن عادل نباشد (فاضل لنکرانی، همان، ۳۰۵ و ۳۰۶).

۳- اجماع (سیره عقلا)

آیت‌الله فاضل به نقل از مرحوم آخوند سومین دلیل حجیت خبر واحد را اجماع بیان می‌کنند؛ لکن به وجوه تقریر ایشان در دلیل بودن اجماع اشکال وارد نموده و سپس، وجه سوم که سیره عقلا می‌باشد را در دلیل بودن اجماع مطرح می‌کنند (ر.ک: فاضل لنکرانی، همان، ۳۰۶/۴ تا ۳۱۰). به این بیان که:

سیره عقلا بما هم عقلا از زمان ما تا زمان شارع مقدّس بلکه قبل از شرع اسلام مستمر بوده و به قول فرد ثقه ترتیب اثر می‌دادند و لوقول آن ثقه، مفید علم نباشد اما به شرط این‌که آن شخص متهم به کذب نباشد. واضح است که شرط حجیت سیره عقلا این است که شارع مقدّس منعی از آن ننموده باشد. لذا اگر شارع از عمل به آن سیره، ممانعتی نکرد، ما کشف می‌کنیم که این سیره مورد رضایت شارع بوده و در امور شرعی از جمله خبر واحد حجیت دارد. حال، آیا شارع نسبت به این سیره منعی نموده است؟ خیر؛ زیرا مسئله حجیت خبر واحد، یک مسئله مهم و مبتلابه بوده و اگر ممانعتی از طرف شارع شده بود، باید به وضوح و درستی به دست ما می‌رسید البتّه عمده دلیل بر حجیت خبر واحد همان سیره عقلا است (همان، ۳۰۹).

۴- عقل

چهارمین دلیل بر حجیت خبر واحد، وجوه عقلیه‌ای است که در این باب بیان شده است؛ اما به دلیل طولانی شدن بحث و با توجه به این که این دلیل در میان ادله آیت‌الله فاضل رحمته‌الله علیه بر حجیت خبر واحد در تفسیر بیان نشده، لذا از بیان آن صرف نظر می‌گردد (رک: فاضل لنکرانی، همان، ۴/۳۴۱-۳۱۶).

مراد از حجیت در تفسیر

چنانچه در بخش مفهوم‌شناسی بیان شد مراد اصولی و فقهی از حجیت بر طبق مسلک مرحوم آخوند خراسانی رحمته‌الله علیه همان معذرت و منجزیت می‌باشد که تنها به حکم شرعی که دارای اثر عملی است تعلق می‌گیرد؛ یعنی: خبر یا باید خودش متضمن حکم شرعی باشد یا موضوع برای حکم شرعی قرار گیرد. اما در موارد دیگر مثل تفسیر قرآن معذرت و منجزیت معنا ندارد؛ زیرا این مفهوم مربوط به عمل جوارحی می‌باشد که در حوزه فقه مطرح است و در تفسیر معنا ندارد (مصباح، نشریه معرفت، ۱۳۸۹: ۱۵۲/۳). لذا مراد از حجیت در کلام آیت‌الله فاضل، به این معنا نمی‌تواند باشد و این مطلب از بیان ایشان نیز به دست می‌آید که منظور از حجیتی که در تفسیر بیان می‌کنند، مفهومی غیر از معذرت و منجزیت است که البته در کتابشان در این خصوص توضیحی یافت نشد؛ اما فرزند دانش‌مندشان به تبیین این مسئله پرداخته و از تعبیری نو در مفهوم حجیت در تفسیر استفاده نموده‌اند؛ ایشان می‌فرمایند:

چه اشکالی دارد بگوییم حجیت در دایره فقه به معنای معذرت و منجزیت است و همین حجیت در دایره تفسیر قرآن به معنای «مُبَیِّنیت» است؟ اگر گفتیم خبر واحد در تفسیر قرآن حجت است، یعنی می‌تواند مبین و مفسر آیه باشد... یعنی در حقیقت ما حجیت را به معنای اعتبار باید تفسیر کنیم. این در دایره فقه با معذرت و منجزیت تطبیق می‌کند و در دایره تفسیر با مُبَیِّنیت و مفسریت تطبیق می‌کند (fazellankarani.com، ۱۳۸۸: جلسه ۸۷). پس با توجه به بیان ایشان روشن گردید که مراد از حجیت در تفسیر، منجزیت و معذرت نبوده و مُبَیِّنیت می‌باشد.

به نظر می‌رسد یکی از دلایل عمده اختلاف میان موافقان و مخالفان حجیت خبر واحد در غیر احکام فقهی از جمله تفسیر در مبهم‌بودن مبادی تصوری و مفهوم مشترکات لفظی می‌باشد (مصباح، نشریه معرفت، ۱۳۸۹: ۱۵۲/۳). پس از بیان مفهوم حجیت در تفسیر، در ادامه به بیان ادله آیت‌الله فاضل رحمته‌الله علیه و نحوه استدلال ایشان بر حجیت روایات آحاد تفسیری پرداخته می‌شود.

چگونگی استدلال بر حجیت خبر واحد در تفسیر

دیدگاه آیت‌الله فاضل^{ره} پیرامون حجیت خبر واحد در تفسیر در کتاب «مدخل التفسیر» ایشان که از آن به «اصول التفسیر» تعبیر شده، بیان گردیده است. ایشان ذیل رکن دوم از ارکان تفسیر که بیان معصوم می‌باشد، ابتدا حجت بودن کلام معصومان^{علیهم‌السلام} را در کشف مراد الهی و تفسیر قرآن مجید بیان کرده و وجه تعلیل آن را در مورد پیامبر اکرم^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} واضح دانسته و در مورد امام^{علیه‌السلام} می‌گویند: از آن جایی که اهل بیت^{علیهم‌السلام} یکی از دو ثقل رسول الله^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} می‌باشند که برای نجات از ضلالت، امر متمسک به ایشان شده‌ایم، لذا کلام ایشان برای ما در تفسیر حجت است؛ سپس بیان می‌کنند چنانچه کلام معصوم^{علیهم‌السلام} از طریق روایت متواتر یا خبر واحد محفوف به قرینه قطعی به ما برسد، حتی اگر با ظاهر قرآن ناهمخوان باشد، حجت بوده و باید به آن عمل شود چراکه کلام معصوم^{علیهم‌السلام} به منزله قرینه صارفه می‌باشد (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۴۲۸: ۱۸۵ و ۱۸۶).

تقریر محل بحث

خبر متواتر و خبر واحد محفوف به قرینه به دلیل علم آوری و اطمینان بخش بودن نزد همگان حجیت دارند و طبق فرموده آیت‌الله فاضل^{ره} حجیتشان به حدی است که حتی اگر با ظاهر قرآن هم خوانی نداشته باشد باز هم حجت خواهند بود. آنچه میان اندیشمندان حوزه تفسیر مورد اختلاف است پیرامون خبر واحد مجرد از قرینه (ثقه، صحیح و حسن) می‌باشد که تنها افاده ظن می‌کند. آیت‌الله فاضل^{ره} در کتاب مدخل التفسیر بحث از حجیت خبر واحد (غیر محفوف به قرینه) دارای شروط اعتبار را به عنوان محل اختلاف مطرح نموده و این پرسش را بیان می‌کنند که آیا خبر واحد تنها در زمینه احکام فقهی و فروع عملی حجت است یا در باب تفسیر هم قابل استناد می‌باشد؟ ایشان در پاسخ، دو قول مختلف پیرامون حجیت خبر واحد را بیان می‌کنند: گروهی که خبر واحد را تنها در تفسیر آیات فقهی و احکام عملی قرآن حجت دانسته و دسته دیگر کسانی که خبر واحد را مطلقاً چه در آیات فقهی و چه غیر فقهی حجت می‌دانند (همان، ۱۸۶).

بیان دیدگاه مخالفین

ایشان در تقریر سخن قائلان به عدم حجیت خبر واحد در تفسیر می‌گویند: چه بسا گفته شود که در باب تفسیر نمی‌توان به خبر واحد اعتماد نمود، اما در زمینه بیان احکام فقهی و فروع عملی می‌توان به آن استناد جست؛ به عبارت دیگر می‌توان آیات فقهی قرآن را با

استفاده از روایات نقل شده از طریق خبر واحد تفسیر نمود؛ اما در مورد آیاتی که با احکام عملی در ارتباط نیستند، خبر واحد به هیچ وجه حجت به شمار نمی‌آید (فاضل لنکرانی، مقدمات بنیادین علم تفسیر، ۱۳۸۱: ۲۹۱).

ایشان علت نظر مخالفان حجیت خبر واحد در تفسیر را به مفهوم حجیت که منجزیت و معذرت می‌باشد، ارتباط می‌دهند؛ به این شکل که این دو امر (منجزیت و معذرت) تنها در زمینه تکالیف عملی مطرح می‌شوند؛ یعنی: چنانچه مفاد خبر واحد، یک حکم شرعی یا موضوعی برای دستیابی به حکم شرعی باشد، آن خبر حجت است؛ زیرا در این صورت وصف معذرت و منجزیت در مورد آن صدق می‌کند و در غیر این صورت خبر واحد حجت نبوده و قابل استناد نمی‌باشد؛ بنابراین خبر واحد در تفسیر آیات غیر فقهی حجت نیست (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۴۲۸: ۱۸۶).

بر اساس این سخن، روایات تفسیری در برخی آیات حجت و قابل استناد بوده، اما در بعضی دیگر از آیات حجت نداشته و نمی‌توان در تفسیر، از آنها بهره جست؛ به نظر ایشان پذیرش این امر جای تأمل دارد (همان، ۱۸۶).

از جمله قائلان به این نظر در دوران معاصر، علامه طباطبایی رحمته الله علیه است؛ در جای جای تفسیر المیزان بر اختصاص حجیت خبر واحد به آیات فقهی دارای اثر شرعی و بی اعتبار بودن خبر واحد در غیر احکام فقهی مشاهده می‌شود؛ ایشان دلایلی را بر عدم حجیت روایات تفسیری بیان می‌کنند (ناصر، پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، ۱۳۸۲: ۵۳).

آیت الله فاضل رحمته الله علیه در رد نظر مذکور و استدلال بر حجیت خبر واحد در تفسیر بیان می‌نویسند: «أنه لا فرق فی الحجية والاعتبار بین القسمین لوجود الملاك فی کلتا الصورتین» (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۴۲۸: ۱۸۶ و ۱۸۷).

یقیناً بین این دو قسم (خبر واحد مربوط به آیات فقهی و غیر فقهی) در حجیت و اعتبار تفاوتی نیست؛ چرا که در هر دو صورت ملاک وجود دارد.

به نظر ایشان میان اخباری که مربوط به آیات فقهی و احکام عملی بوده با آیات غیر فقهی از نظر حجیت تفاوتی نیست؛ زیرا هر دو دارای یک ملاک مشترک می‌باشند. منظور از ملاک، همان ادله حجیت خبر واحد است که عبارتند از: «عمومیت دلیل سیره عقلا» و «ادله شرعی تعبدی» (فاضل لنکرانی، همان، ۱۸۶ و ۱۸۷). در ادامه به بیان هر کدام از این ادله پرداخته می‌شود.

ادله حجیت خبر واحد در تفسیر

آیت‌الله فاضل رحمته‌الله در تبیین ملاک حجیت خبر واحد در تفسیر، ادله حجیت خبر واحد را در دو قالب بیان می‌کنند؛ ایشان می‌گویند: مستند حجیت خبر واحد یا بنای عقلا و سیره مستمر ایشان است که اکثر قائلان به آن، این مستند را مهم‌ترین دلیل حجیت بر خبر واحد دانسته‌اند؛ یا ادله شرعیه تعدیه که شامل: کتاب، سنت و اجماع است. بنابر نظر ایشان، هرکدام از این ادله اطلاق داشته و شامل حجیت خبر واحد در تفسیر نیز، می‌شود (همان، ۱۸۷).

عمومیت دلیل سیره عقلا

آیت‌الله فاضل رحمته‌الله در تبیین و اثبات عمومیت دلیل سیره عقلا می‌گویند: بر اساس سیره عقلا که مهم‌ترین دلیل بر حجیت خبر واحد است، عقلای هر قوم در اعتماد به خبر واحد بین آن‌چه که اثر عملی داشته و آن‌چه دارای اثر عملی نیست، تفاوتی قائل نیستند؛ بلکه با هر دو نوع خبر واحد، مانند قطع بر خورد نموده و به آن اعتماد می‌کنند. به عنوان مثال: چنان‌چه برای عقلا از آمدن «زید» قطع حاصل شود، می‌توانند آن را خبر تلقی کنند، هرچند دارای اثر عملی نباشد؛ هم‌چنین اگر فرد ثقه‌ای از آمدن زید خبر دهد از نظر عقلا این خبر قابل اعتماد و استناد می‌باشد، هرچند اثر عملی بر آن مترتب نیست. این اعتماد بر خبر واحد ثقه در همه ابعاد زندگی عقلا رواج داشته و بر اساس آن زندگی می‌کنند؛ به طور مثال: با استناد به این عبارت که «ید اماره مالکیت است»، حکم صادر نموده و خرید و فروش انجام می‌دهند. پس با لحاظ این مسئله که اعتماد عقلا بر خبر واحد، مختص موارد دارای اثر عملی نبوده و تفاوتی نگذاشته‌اند و بر هر دو اعتماد نموده‌اند، لذا دلیل بر اختصاص وجود ندارد و روایات در باب تفسیر، مطلقاً حجت است (همان، ۱۸۷).

حال، سؤال می‌شود که: آیا مراد معظم له این است که عقلا خبر واحد را با وجود دلیل ظنی بودن، علم قرار داده‌اند یا خیر؟ در پاسخ به این پرسش، فرزند ایشان گفته‌اند: مراد مرحوم آیت‌الله فاضل این نیست که عقلا خبر واحد را به منزله علم دانسته‌اند؛ بلکه آنان قائلند، همان آثاری را که بر علم بار می‌شود، بر دلیل ظنی نیز، بار می‌گردد؛ لذا همان‌طور که به خبر قطعیه عمل شده، به خبر واحد نیز، عمل می‌شود و از آن‌جا که شارع این سیره عقلائی را امضا نموده، هم‌چنین خود باید خبر واحد را در همه‌جا حجت قرار دهد (fazellankarani.com، ۱۳۸۸: جلسه ۸۷).

همسانی ملاک در ظواهر قرآن و روایات

آیت‌الله فاضل^۱ با استناد به سیره عقلا با بیانی دیگر، به اثبات حجیت خبر واحد در تفسیر می‌پردازد؛ به نظر ایشان از آن‌جا که تنها دلیل حجیت ظواهر قرآن، سیره عقلا - آن هم به عنوان یک دلیل ظنی - بوده و براساس آن همه آیات قرآن حجت دانسته می‌شود، پس چگونه می‌توان در حجیت روایات تخصیص قائل شد، حال آن‌که دلیل هر دو، یکی است؟ ایشان می‌گویند: چنان‌چه سیره عقلا دلیل بر حجیت خبر واحد باشد، تفاوتی میان خبری که بیان می‌کند: معصوم^۲ آیه‌ای را برخلاف ظاهرش تفسیر کرده با خود ظواهر آیه‌ای که دلیل اعتبارش تنها بنای عقلا بر عمل به ظواهر است، نمی‌باشد. در این صورت میان این روایات و آیات قرآن از نظر حجیت و اعتبار تفاوتی نیست؛ زیرا، بر اساس سیره عقلا ظواهر آیات قرآن کریم حجت بوده و تنها عامل اعتبار کلام الهی تکیه بر همین ظواهر می‌باشد؛ در نتیجه همان‌طور که ظواهر کلام الله مطلقاً حجت بوده و مختص آیات فقهی و احکام عملی نیست، خبر واحد نیز، مطلقاً دارای حجیت بوده و اختصاصی به احکام فقهی ندارد (همان، ۱۸۷ و ۱۸۸). لذا به دلیل یکسان بودن ملاک حجیت در ظواهر قرآن و روایات و اطلاق حجیت ظواهر، می‌توان مطلق بودن روایات را هم ثابت نمود. بر اساس آنچه گذشت، ایشان با استناد به عمومیت ادله حجیت خبر واحد، حجیت آن را در تفسیر اثبات کردند.

عمومیت ادله شرعی تعبدی

پس از بیان سیره عقلا بر حجیت خبر واحد، ایشان بحث ادله شرعی تعبدی را مطرح می‌کنند که شامل قرآن، سنت و اجماع است؛ البته در پذیرش اصل این ادله به عنوان ادله حجیت، قیدی وارد کرده‌اند مبنی بر اینکه: اگر دلالت این ادله را بر بیان حکم تعبدی تأسیسی بپذیریم؛ (حکم تأسیسی حکمی است که در عرف عقلا سابقه نداشته و شارع مقدس آن را برای اولین بار تشریح نموده و مانند بسیاری از احکام تکلیفیه، برای مکلف تعبدآور است) (ولایی، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، ۱۳۸۷: ۱۹۴). آوردن این قید نشان می‌دهد که ایشان ظاهراً تمامیت این ادله را در مواردی نپذیرفته‌اند. طبق فرمایش معظم له به هر حال در صورت پذیرش تمامیت این ادله، ظاهراً عدم اختصاص این دلایل به احکام فقهی و عملی می‌باشد؛ زیرا قیدی با عنوان «حجیت» یا مشابه آن که دال بر مفهوم معذرت و منجزیت که خصوص باب تکالیف و اعمال می‌شود، وجود ندارد؛ لذا معلوم می‌گردد که این ادله عمومیت دارند؛ یعنی در حجیت خبر واحد تفاوتی میان آیات الاحکام و غیر آن نیست و شامل تفسیر همه آیات قرآن می‌شود. برای نمونه: چنان‌چه دلیل بر حجیت خبر واحد را آیه نباء بدانیم، مفهوم ذکر شده از این آیه بیانگر این است که اعتماد به خبر واحد عادل جایز بوده و برای صدق مدعای وی نیازی به

تحقیق و تفحص نیست؛ چنان‌که می‌بینیم در مفهوم آیه نباء قرینه و دلیلی بر اختصاص آن به احکام فقهی و آن‌چه دارای اثر عملی باشد، وجود ندارد؛ بلکه آیه، مطلق بوده و هرگونه خبر را شامل می‌شود (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۴۲۸: ۱۸۷ و ۱۸۸).

البته فرزند دانش‌مندان در اینجا ملاحظه‌ای را بر کلام والد محترم وارد می‌کنند و می‌گویند: نمی‌توان گفت شارع هر خبری را حجت قرار می‌دهد؛ بلکه شارع تنها در دایره شرع و آن‌چه مربوط به اعمال انسان است، می‌تواند سیره عقلا را امضا نماید؛ پس خبر واحدی که بیانگر امور تاریخی و غیر آن بوده که خارج از محدوده شرع می‌باشد، قابل تأیید شارع نیست؛ زیرا هیچ اثر شرعی و عملی برای انسان ندارد (fazellankarani.com، ۱۳۸۸: جلسه ۸۷).

آیت‌الله فاضل رحمته نیز، در کتاب مدخل التفسیر این نکته را بیان کرده‌اند:

«نعم لا محیص عن الالتزام بالاختصاص بما إذا كان له إرتباط بالشارع و إضافة إليه بما أنه شارع و لكن لا يستلزم خروج المقام...» (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۴۲۸: ۱۸۸).

ایشان در ابتدا بیان می‌کنند که چاره‌ای جز ملزم شدن به اختصاص در جایی که مرتبط با شارع بوده و به او نسبت پیدا می‌کند، نمی‌باشد؛ اما خودشان در توجیه می‌فرمایند: این امر سبب نمی‌شود که بیان ما در باب حجیت خبر واحد در تفسیر دچار خدشه شود؛ زیرا، صرف اسناد دادن امری به خداوند و کشف مراد الهی از آیات قرآن مجید، هر چند این آیات حکمی نبوده، بلکه از جمله قصص و مواعظ و... باشد، امری است که حتماً مرتبط با شارع است؛ بنابراین اسناد این امر به خداوند متعال که او خبر از کشته و مصلوب نشدن عیسی علیه السلام داده امری جایز است هر چند که این خبر ارتباطی به احکام تکلیفی انسان ندارد (همان، ۱۸۸). در واقع چون در تفسیر، مطالب را به خداوند اسناد می‌دهیم، ارتباط با شارع برقرار می‌شود و صرف همین اسناد خبر در حجیت آن کفایت می‌کند. می‌توان گفت معظم له در این جا از طریق توسعه اثر به حل مسئله پرداخته‌اند؛ یعنی: چنان‌چه بپذیریم که در باب حجیت خبر واحد، اثر شرعی داشتن شرط است، می‌گوییم می‌توان اثر را توسعه داده و حجیت این روایات را اثبات نمود؛ زیرا ما با حجت دانستن این‌گونه روایات، آن‌ها را به معصوم علیه السلام نسبت داده و از طرفی فهم و برداشت امام علیه السلام را از آیه به دست می‌آوریم و در نهایت با استفاده از فهم معصوم علیه السلام آن را به خداوند نسبت می‌دهیم و این خود یک اثر شرعی مهم و قابل توجه است (ناصح، اعتبار و کاربرد روایات تفسیری، ۱۳۸۷: ۵۴).

بنابراین با استفاده از عمومیت ادله حجیت خبر واحد به نظر ایشان می‌توان علاوه بر احکام فقهی مطالب مختلفی هم‌چون: مواعظ، نصایح و قصص قرآنی را به خداوند نسبت داده و از لابه‌لای آیات قرآن کریم به تبیین غرض الهی برای استفاده در بین عموم مردم، پرداخت. ایشان در

خاتمه بحث بر این مطلب تأکید می‌نمایند که نهایتاً هیچ اشکالی در حجیت خبر واحد در باب تفسیر مطلقاً وجود ندارد؛ «و بالجمله لا مجال للاشکال فی حجیة خبر الواحد فی باب التفسیر مطلقاً» (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۴۲۸: ۱۸۸).

آنچه گذشت، بیان دیدگاه و ادله ایشان پیرامون حجیت خبر واحد در تفسیر قرآن کریم بود. در ادامه دلیل دیگری بر حجیت خبر واحد در تفسیر بیان می‌شود که در کتاب مدخل التفسیر به آن اشاره نشده است؛ اما فرزند بزرگوارشان در درس خود، آن را ذکر کرده‌اند و به جهت اهمیت بحث، به آن پرداخته می‌شود.

وجود روایات تفسیری

یکی از ادله مهمی که می‌توان در حجیت خبر واحد بر تفسیر بیان کرد، وجود روایت فراوان تفسیری است. وجود این روایات فراوان که در باب تفسیر قرآن بیان شده و هم‌چنین تفاسیری که به بیان روایات ذیل آیات پرداخته‌اند، مانند: تفسیر برهان، تفسیر نورالثقلین، تفسیر کنزالدقائق و غالب تفسیر صافی مرحوم فیض، نشان از اهمیت این روایات است. از آن‌جا که بیشتر این روایات از نوع خبر واحد ظنی بوده و چنان‌چه خبر واحد در تفسیر حجت شمرده نشود، موجب لغویت روایات می‌شود. هم‌چنین نقل آن از اصحاب ائمه علیهم‌السلام و خود معصومان علیهم‌السلام یا نباید سخنی می‌فرمودند یا پس از بیان به اصحاب خود می‌فرمودند که این کلام تنها برای شما حجیت دارد. (Fazellankarani.com، ۱۳۸۸: جلسه ۸۷) به نظر می‌رسد این دلیل، دلیلی عقلی بر حجیت خبر واحد در تفسیر می‌باشد.

نتیجه

از دیرباز میان علما بر سر حجیت خبر واحد مجرد از قرینه اختلاف نظر بوده است؛ در بحث تفسیر برخی قائل به حجیت خبر واحد بوده و برخی حجیت را تنها شامل آیات فقهی و احکام عملی می‌دانند؛ برخی هم مانند آیت‌الله جوادی (حفظه الله) قائل به تفصیل هستند. آیت‌الله فاضل که از جمله موافقان حجیت خبر واحد در تفسیر می‌باشند با استناد به دو دلیل عمومیت سیره عقلا و عمومیت ادله شرعی تعبیدی مدعای خود را اثبات می‌نمایند. البته بنا به نظر ایشان سیره عقلا از دلالت محکم‌تری برخوردار است. دلیل دیگر مبنی بر حجیت روایات آحاد تفسیری، وجود فراوان این روایات می‌باشد که در صورت عدم پذیرش حجیت آن‌ها، مسئله لغویت این روایات پیش می‌آید. در نهایت بر اساس دیدگاه آیت‌الله فاضل رحمته‌الله‌علیه می‌توان گفت: همه کسانی که سیره عقلا را در حجیت خبر واحد دلیل می‌دانند، باید اطلاق و عمومیت آن را هم بپذیرند و چنان‌چه افرادی تنها ادله شرعی (آیات و روایات) را دلیل بر حجیت خبر واحد پذیرفته‌اند، باید بگوییم آیات و روایات نیز این اخبار را تأیید نموده و دارای اطلاق می‌باشند. بنابراین بر اساس عمومیت ادله مذکور حجیت خبر واحد در تفسیر اثبات می‌گردد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه الهی قمشهای، مهدی، قم: انتشارات فاطمه الزهرا، ۱۳۸۰ ش.
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، قم: اسماعیلیان، ۱۳۶۷ ش.
۳. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغه، محقق هارون عبدالسلام محمد؛ قم: مکتب الأعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۵. پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی، (wiki.islamicdoc.org)، ۹۷/۱۱/۵.
۶. تقریرات درس خارج آیت الله شیخ جواد فاضل لنکرانی، (fazellankarani.com)، جلسه ۸۷، ۱۳۸۸/۱/۳۱.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، محقق عطار احمد عبدالغفور، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۳۷۶ ق.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ ق.
۹. رستمی، علی اکبر، آسیب شناسی و روش شناسی تفسیر معصومان، رشت: انتشارات کتاب مبین، ۱۳۸۰ ش.
۱۰. رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر قرآن «۲» (روش ها و گرایش های تفسیری قرآن)، قم: جامعه المصطفی العالمیه، چاپ سوم، ۱۳۷۸ ش.
۱۱. صدر، سید محمد باقر، مباحث الاصول، بی جا: دارالبشیر، ۱۴۰۸ ق.
۱۲. فاضل لنکرانی، محمد، مدخل التفسیر، قم: مرکز فقه الأئمة الأطهار علیهم السلام، ۱۴۲۸ ق.
۱۳. فاضل لنکرانی، محمد، مقدمات بنیادین علم تفسیر (ترجمه مدخل التفسیر)، ترجمه محمد رسول دریایی، تهران: بنیاد قرآن، ۱۳۸۱ ش.
۱۴. فاضل موحدی لنکرانی، محمد، ایضاح الکفایه، قم: انتشارات نوح، چاپ پنجم، ۱۳۸۵ ش.
۱۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.
۱۶. مدیرشانه چی، کاظم، علم الحدیث، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۷۲ ش.
۱۷. مشکینی، علی، اصطلاحات الاصول و معظم أبحاثها، قم: دفتر نشر هادی، چاپ پنجم، ۱۳۷۱ ش.

۱۸. مصباح، محمدتقی، حجیت خبر واحد در تفسیر قرآن، نشریه معرفت، قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹ ش.
۱۹. مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۰ ش.
۲۰. ناصح، علی احمد، اعتبار و کاربرد روایات تفسیری، قم: انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۷ ش.
۲۱. ناصح، علی احمد، پژوهشی در اعتبار احادیث تفسیری، پژوهش نامه قرآن و حدیث، سال اول، ش ۱، صص ۴۹-۶۲، بهار و تابستان ۱۳۸۲ ش.
۲۲. هاشمی شاهرودی، سید محمود، بحوث فی علم الاصول، قم: دائرة المعارف فقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۷۵ ش.
۲۳. ولایی، عیسی، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، تهران: نشر نی، ۱۳۸۷ ش.

